

بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران

The Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran

F. Farahani Khalajabadi, Ph.D. ✉ دکتر فریده فراهانی خلیج آبادی فراهانی ✉

استادیار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

Sh. Kazemipour, Ph.D.

دکتر شهلا کاظمی پور

دانشیار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

A. Rahimi, MSc

علی رحیمی

کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۵
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۲/۱۶
پذیرش مقاله: ۹۲/۱/۲۰

Abstract

Over the past four decades, age at first marriage has been increased considerably in Iran, particularly among females. In addition, recent evidence indicates an increase in premarital heterosexual liaisons among young people. This paper is based on the finding of first phase of the survey of a cross-sectional mix-method study which aimed to assess the influence of experience of premarital heterosexual liaisons on marriage among university students in Tehran in 2011. This paper specifically aims to examine the influence of premarital heterosexual liaisons on marriage age and desire.

✉ Corresponding author: Population Studies and Research Institute in Asia and the Pacific No. 4, 2nd Behestan St., Pasdaran Ave., Tehran, Iran, Tel: +98-21-22769720
Email: Faridehfarahani@yahoo.com

چکیده:

طی چهار دهه گذشته، سن اولین ازدواج در بین جوانان ایرانی به‌خصوص دختران به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. هم‌چنین شواهد اخیر بر افزایش معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان دلالت می‌کند. این مقاله براساس نتایج فاز اول پیمایش یک مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی است که با هدف بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر ازدواج در بین جوانان با تحصیلات دانشگاهی در تهران در سال ۱۳۹۰ انجام شده بود.

✉ نویسنده مسئول: تهران، پاسداران، خیابان بهستان دوم، پلاک ۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۶۹۷۲۰

پست الکترونیکی: Faridehfarahani@yahoo.com

In the first phase of the survey, 2031 university students aged 18-40 from among 7 universities (both public and private) in Tehran were selected using two stage stratified cluster sampling method. Data collection was completed between January 2010 and May 2011 using an anonymous self-administer valid and reliable questionnaire. The mean age of respondents was 22.5, 12% were married with a mean age at marriage of 27(SD=6.32). The influence of premarital heterosexual relationships on marriage age was assessed among married and on desire to marry among single students. The results show that after control of gender, economic and cultural situation of the family, the experience of progressive (sexual) relationship between opposite sex is one of the determinant factors of marriage age among university students. Reporting experience of progressive premarital heterosexual relationships and intimacy are associated with about two years delay in marriage (b -coefficient=1.7, $P<0/05$) Moreover, There is a gender difference in the relations between premarital heterosexual relationships and desire for marriage. So as, both heterosexual friendships and intimacy was significantly linked with greater desire for marriage among females, while among men, only progressive intimacy was inversely linked with desire for marriage. Men with greater experiences showed lower desire for marriage, while premarital heterosexual friendship was not associated with marital desire and propensity. The changes in trends of premarital heterosexual relationships among young people and recent types of partnerships needs to be considered more than before in evolution of marriage and the family in Iran and also differing implications of such relationships between men and women needs greater consideration.

Keywords: Marriage Age, Premarital Heterosexual Relationships, Tehran.

هدف این مقاله بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج است. در فاز اول پیمایش، ۲۰۳۱ دانشجوی ۱۸ تا ۴۰ ساله از ۷ دانشگاه دولتی و آزاد در تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای دو مرحله‌ای مورد مطالعه واقع شدند. جمع‌آوری داده‌ها از بهمن ماه ۱۳۸۹ تا خردادماه ۱۳۹۰ با استفاده از پرسشنامه بی‌نام که روایی و پایایی آن سنجیده شد، انجام شده است. میانگین سنی دانشجویان ۲۲/۵ سال بوده و ۱۲٪ دانشجویان متأهل و با میانگین سنی ازدواج ۲۷ سال بوده‌اند ($SD=۶/۳۲$).

تأثیر معاشرت بر سن ازدواج در بین دانشجویان متأهل و تأثیر معاشرت‌ها بر تمایل به ازدواج در بین دانشجویان مجرد بررسی شد. نتایج نشان داد که پس از کنترل جنس، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است. به طوری که تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج، حدود ۲ سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌سازد ($p<۰/۰۵$). (b -coefficient=۱/۷).

هم‌چنین تفاوت جنسیتی واضحی در ارتباط با معاشرت‌های دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج، با تمایل به ازدواج نشان داده شد؛ به طوری که معاشرت دوستی و پیشرفته در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنادار داشته، در حالی که در پسران معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنادار داشت و رابطه دوستی هیچ ارتباطی با تمایل به ازدواج در پسران نداشت. تغییرات در روند معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و انواع جدید شریک‌گزینی، باید بیش از پیش در بررسی تغییرات سن ازدواج و تحولات خانواده در نظر گرفته شده و کارکردهای متفاوت این معاشرت‌ها در ازدواج بررسی شوند.

کلیدواژه‌ها: سن ازدواج، معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، تهران

مقدمه

علی‌رغم افزایش میانگین سن جمعیت در ایران از ۲۲/۴ سال در سال ۱۳۵۵، به ۲۹/۸ سال در سال ۱۳۹۰، هنوز نیمی از جمعیت ایران کمتر از ۲۷ سال سن دارند (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۰) و بیشترین گروه سنی بین ۲۹-۲۰ سال قرار دارند. یک‌پنجم جمعیت در گروه سنی ۲۴-۱۵ سال و حدود یک‌سوم جمعیت در سنین ۲۹-۱۵ سال قرار دارند. لذا علی‌رغم این‌که ساختار سنی جمعیت در ایران، به سوی سالمندی جمعیت می‌رود، اما هم‌چنان جوانان بخش مهمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر، سن ازدواج در دهه‌های اخیر، به‌خصوص در بین دختران، افزایش قابل توجهی داشته است. نسبت زنان هرگز ازدواج نکرده سنین ۲۰ تا ۲۴ سال از ۲۱/۴٪ در سال ۱۳۵۵، به حدود ۴۰٪ در سال ۱۳۷۵ و به ۴۹٪ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. این نسبت در مناطق شهری به حدود ۸۰٪ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). میانگین سن ازدواج دختران و پسران در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۲/۴ سال و ۲۵/۶ سال بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۴ سال و ۲۶/۷ سال رسیده است. میانگین سن ازدواج در بین زنان و مردان در تهران در سال ۱۳۹۰ حتی کمی بیشتر است (به ترتیب ۲۴ سال و ۲۸ سال). این امر موجب افزایش فاصله بین بلوغ و ازدواج در جوانان شده است. به‌علاوه، علی‌رغم عمومیت بالای ازدواج به علت جایگاه اجتماعی، فرهنگی، سنتی و مذهبی ازدواج و خانواده در جامعه ایرانی، شواهد بر روند افزایش تجرد قطعی در سال‌های اخیر دلالت دارد. به طوری‌که تجرد قطعی در مردان و زنان به ترتیب از ۱/۱٪ و ۲/۱٪ در سال ۱۳۷۵ به ۱/۶٪ و ۳/۶٪ در سال ۱۳۸۵ (۴/۴٪ در زنان و ۲/۴٪ در مردان) (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) افزایش یافته و در سال ۱۳۹۰، در مناطق شهری کل کشور به ترتیب در زنان و مردان، به ۸٪ و ۵٪ رسیده است.

به‌علاوه، با وجود این‌که معاشرت عاطفی و جنسی پیش از ازدواج، یا خارج از چارچوب ازدواج در ایران، برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی بوده و حتی از نظر قانونی نیز منع شده است، اما برخی شواهد در سال‌های اخیر دلالت بر روند افزایشی این‌گونه معاشرت‌ها در بین جوانان دارد (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۲۰۱۱، خلج آبادی فراهانی و همکاران^a، ۲۰۱۲، خلج آبادی فراهانی^b، ۲۰۱۲، محمدی، ۲۰۰۶؛ محمد، ۲۰۰۷؛ جعفری، ۱۳۸۴؛ میرمولایی، ۱۳۸۴؛ خلج آبادی فراهانی و کللند^c، ۲۰۰۸؛ خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۰). بیش از نیمی از دختران دانشجوی در تهران در سال ۱۳۸۴-۵، تجربه معاشرت دوستی با جنس مخالف پیش از ازدواج و حدود یک چهارم ارتباط نزدیک‌تر شامل تماس جنسی را گزارش کردند (خلج آبادی فراهانی و کللند، ۲۰۰۸). در تهران بین ۲۰ تا ۶۰٪ جوانان گروه سنی ۱۸-۱۴ سال، با یک یا چند جنس مخالف، اغلب به‌طور پنهانی و بدون رضایت خانواده، ارتباط عاطفی و گاه ارتباط پیشرفته‌تر برقرار می‌کنند (گلزاری، ۱۳۸۳). به علت عدم

پذیرش اجتماعی معاشرت‌های فوق در جامعه ایران، علاوه بر این که این نوع معاشرت‌های ناپایدار و پنهانی برای هر دو جنس به‌ویژه دختران، ممکن است آسیب‌های گوناگون روانی، آموزشی و اخلاقی به بار آورد، بر فرآیند ازدواج آن‌ها (سن ازدواج، تمایل به ازدواج و حتی طلاق) نیز تأثیرات مهمی خواهد داشت.

در جوامع توسعه یافته غربی، توسعه فرصت‌های شغلی و اقتصادی، با گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی و معاشرت با جنس مخالف همراه بوده است (گاقان^۲، ۲۰۰۲). معاشرت‌ها و روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران نیز از تنوع برخوردار بوده و مطالعه‌ای توسط آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰)، شش سنخ روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران را معرفی کرد. این سنخ‌ها شامل: روابط آزاد، صیغه‌ای، دوست دختر و پسر، هم‌خانگی، روابط ضدعاشقانه و روابط مبتنی بر عشق سیال می‌شود. بر این اساس، غیر از الگوهای پیشامدرن (شامل دو سنخ اول روابط)، الگوهایی از رابطه به نام الگوهای مدرن (سنخ سوم، چهارم و پنجم) و پسامدرن (ششم) به مدد تحولات ساختار اجتماعی و اقتصادی و تغییرات ارزشی ناشی از آن، در سال‌های اخیر، با گسترش زیادی مواجه شده‌اند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰).

در بررسی علل افزایش سن ازدواج، انبوهی از مطالعات انجام شده است. در غالب مطالعات فوق، اثر عوامل نوسازی مانند شهرنشینی، تحصیلات، تغییر نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان، تغییرات نگرشی نسبت به ماهیت ازدواج، مدرن شدن اقتصاد و ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج، همبستگی و عوامل تأثیرگذار بر انتخاب‌های فردی تبیین شده‌اند (لسته‌هاقی^۳ و همکاران، ۱۹۸۹؛ مالهوترا^۴ و تسوی^۵، ۱۹۹۶؛ کالدول^۶ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کالدول و کالدول، ۱۹۸۷). مطالعات متعددی نیز در ایران، عواملی مانند مدرنیزاسیون، توسعه آموزش همگانی به‌خصوص برای زنان، تحصیلات و اشتغال در بین دختران و زنان را عامل افزایش سن ازدواج نشان داده‌اند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹؛ عباسی‌شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). توسعه تحصیلات و اشتغال در زنان که با نقش‌های سنتی مادری و همسری در تقابل قرار می‌گیرند، می‌تواند به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج محسوب شوند (گاقان، ۲۰۰۲). در یک مطالعه جدید توسط سازمان ملی جوانان، عوامل فرهنگی و نگرشی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأخیر در ازدواج شناخته شده و عوامل اقتصادی بعد از عوامل فرهنگی برای تأخیر در ازدواج برشمرده شده‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۹). در واقع، تأثیر تغییرات رخ داده در رفتارهای جنسی زنان و مردان، به‌خصوص قبل از ازدواج کمتر مورد توجه نظریه‌های تبیین‌کننده سن ازدواج بوده و در توضیح سن ازدواج لحاظ نشده‌اند. به‌عنوان مثال، بیشتر تئوری‌های ازدواج فرض می‌کنند که به‌طور آشکار یا پنهان، همه زنان مجرد در بازار ازدواج هستند و ازدواج هدف نهایی هر نوع رابطه‌ای است. این فرضیات حتی در مطالعات جدید جایگزین‌های شریک‌گزینی مانند همبستگی لحاظ شده است. به-

عنوان نمونه مطالعات همباشی نشان داده‌اند که همباشی باعث تأخیر در ازدواج می‌شود، زیرا همباشی را به‌عنوان یکی از جایگزین‌های ازدواج در نظر نگرفته‌اند (بومپاس^۷ و همکاران ۱۹۹۱). همین‌طور اکثر مطالعات انجام شده پیرامون سن ازدواج، تغییرات رفتارهای شریک‌گزینی و جنسی جوانان قبل از ازدواج را در نظر نگرفته‌اند. مشابه این امر در مورد ایران صادق است، به طوری که هیچ مطالعه جامعی در ایران، به بررسی تأثیر گسترش طیفی از معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در دو جنس نپرداخته است.

در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۸۵ در بین دختران دانشجو در تهران انجام شد (خلج‌آبادی فراهانی، ۲۰۰۸)، یکی از دلایل تأخیر در ازدواج در بین پسران، در دسترس بودن راحت معاشرت‌های قبل از ازدواج معرفی شده است. البته باید در نظر داشت که اگرچه تأخیر در ازدواج نیز خود می‌تواند عامل زمینه‌ساز برای شروع معاشرت‌ها با جنس مخالف، یا توسعه آن باشد، ولی توسعه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بی‌تأثیر بر تمایل به ازدواج جوانان و سن ازدواج نیست، هرچند ماهیت و جزئیات آن در زنان و مردان ایرانی به خوبی شناخته نشده است.

هدف این مقاله بررسی ارتباط بین تجربه این‌گونه معاشرت‌ها با جنس مخالف قبل از ازدواج (معاشرت دوستی و پیشرفته) با سن اولین ازدواج و هم‌چنین تمایل به ازدواج در بین جوانان دانشجو در دانشگاه‌های آزاد و دولتی تهران است. لذا این مطالعه به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد: ۱. معاشرت دوستی و پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج چه رابطه‌ای با سن ازدواج در دانشجویان زن و مرد متأهل دارد؟ ۲. تأثیر این تجربیات بر سن ازدواج زنان و مردان چه تفاوتی دارد؟ ۳. تجربیات معاشرت دوستی و پیشرفته با جنس مخالف پیش از ازدواج چه تأثیری بر تمایل به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر مجرد دارد؟

روش و داده‌های تحقیق

این مقاله براساس بخش پیمایش یک تحقیق مقطعی و توصیفی - تحلیلی است که به روش ترکیبی در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در تهران انجام شده است. جامعه آماری بخش پیمایش این مطالعه را دانشجویان زن و مرد (اعم از مجرد و متأهل) سنین ۱۸-۴۰ ساله دانشگاه‌های تهران تشکیل می‌دهند. استان تهران جمعیتی حدود ۱۳/۴ میلیون نفر دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و شامل جمعیت ناهمگونی از قومیت‌های مختلف با وضعیت اقتصادی - اجتماعی متفاوت است. بیش از نیمی از ساکنین تهران از خارج از تهران به این استان مهاجرت کرده‌اند. لذا تهران می‌تواند یک نمونه نمایانگر از کل کشور محسوب شود. هم‌چنین تغییرات نگرشی و رفتاری در جوامع شهری توسعه یافته و مدرن مانند تهران بیشتر و سریع‌تر به ظهور می‌رسند و جوانان در تهران بیشتر در معرض این‌گونه تغییرات به‌خصوص نگرش‌های مربوط به ازدواج و معاشرت‌های قبل از ازدواج هستند.

روش نمونه‌گیری و شیوه جمع‌آوری اطلاعات

نمونه‌گیری به روش دو مرحله‌ای طبقه‌ای و خوشه‌ای انجام شد. ابتدا سهم هر گروه تحصیلی از دانشگاه‌های دولتی و آزاد مشخص شده و متناسب با سهم فوق، تعداد نمونه مورد نظر از گروه مربوط و دانشگاه مربوط مشخص شد. سطح اول نمونه‌گیری گروه تحصیلی و سطح دوم نوع دانشگاه در نظر گرفته شد. بدین ترتیب، تا حدود زیادی اطمینان حاصل شد که نتایج این مطالعه قابل تعمیم به جامعه مورد مطالعه یا همان دانشجویان ۱۸ تا ۴۰ ساله دانشگاه‌های دولتی و آزاد در شهر تهران است. ۸۰٪ نمونه از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کاردانی، ۱۴٪ از مقاطع کارشناسی ارشد و ۶٪ از مقاطع دکتری بودند. نمونه پیمایش از چهار دانشگاه منتخب دولتی و سه شعبه دانشگاه آزاد انتخاب شد (به جهت ملاحظات اخلاقی، از ذکر نام دانشگاه‌ها خودداری می‌شود). در مورد دانشجویان کارشناسی، سعی شد سهم نمونه از دانشجویان سال‌های پائین و سال‌های بالاتر به یک نسبت گرفته شود. تعدادی کلاس از دانشکده انتخابی از گروه مورد نظر، انتخاب شده و پس از هماهنگی‌های لازم، و تشریح اهداف طرح و جلب رضایت دانشجویان هر کلاس، پرسشنامه‌های بی‌نام توزیع شده و دانشجویان به روش خودایفایی پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده و در محل در نظر گرفته شده، قرار داده‌اند، به طوری که، هویت تکمیل‌کننده پرسشنامه مشخص نشود. رضایت‌نامه شفاهی نیز در زمان تکمیل گرفته می‌شد. شرکت در طرح کاملاً اختیاری بود. در مجموع اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند.

فاز اول پیمایش این مطالعه روی دانشجویان زن و مرد ۷ دانشگاه (دولتی و آزاد) در شهر تهران انجام شده بود که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. دانشجویان وارد شده در این فاز از مطالعه، تعداد ۲۰۳۱ دانشجوی دختر و پسر اعم از متأهل و مجرد بودند. نمونه فوق در قالب ۸۷ خوشه یا کلاس در هفت دانشگاه از بهمن ماه ۱۳۸۹ تا خرداد ماه ۱۳۹۰ جمع‌آوری شدند. تعداد افراد در هر خوشه یا کلاس از ۴ نفر تا ۵۲ نفر متغیر بود. حدود نیمی از شرکت‌کنندگان در مطالعه از دانشگاه‌های آزاد (۴۹/۵٪) و بقیه از دانشگاه‌های دولتی وارد مطالعه شدند (۵۰/۵٪). قابل ذکر است که معیار ورود به مطالعه، دارا بودن سن بین ۱۸ تا ۴۰ سال و تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی از مقطع کاردانی تا مقطع دکتری در دانشگاه‌های تهران بود.

در این مطالعه، تجربه معاشرت دوستی با جنس مخالف به مفهوم رابطه عاطفی با، یا بدون قصد ازدواج است که روابط اجتماعی با جنس مخالف را شامل نمی‌شود. منظور از رابطه پیشرفته قبل از ازدواج نیز هرگونه تماس فیزیکی نزدیک یا رابطه جنسی با دوست یا فردی از جنس مخالف است که قبل از هرگونه پیوند نکاح و ازدواج رخ داده باشد. این مفاهیم توسط پرسشگر برای شرکت‌کنندگان قبل از تکمیل پرسشنامه توضیح داده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بی‌نام و خودایقایی حاوی ۷ بخش بود. بخش اول تا ششم را همه افراد و بخش هفتم را فقط متأهلین تکمیل کردند. بخش اول حاوی ۱۱ سؤال جمعیت‌شناختی، بخش دوم شامل ۱۹ سؤال مشخصات خانوادگی، بخش سوم شامل ۸ سؤال دسترسی به رسانه‌ها و برخی عادات رفتاری، بخش چهارم شامل ۱۵ سؤال مربوط به دوستان و همسالان و بخش پنجم شامل ۱۹ سؤال نگرشی در خصوص معاشرت با جنس مخالف و تأثیر بر ازدواج، بخش ششم شامل ۷ سؤال در خصوص قصد ازدواج و رفتار معاشرت با جنس مخالف بود. بخش هفتم (مخصوص متأهلین) حاوی ۳۳ سؤال در خصوص ازدواج و همسر و نوع آشنایی با همسر، ارتباطات دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج با همسر و رضایت‌مندی در ازدواج که شامل ۱۶ سؤال منتخب از پرسشنامه استاندارد رضایت زناشویی انریچ^۱ بود.

در این تحقیق تلاش شد تا فرد پاسخ‌گو ضمن اعتماد به پرسشگر و با اطمینان از بی‌نام بودن پرسشنامه و رضایت آگاهانه و شفاهی به تمام سؤالات مربوطه پاسخ صحیح بدهد. پاسخ‌گو در هر زمانی می‌توانست از مطالعه خارج شده و یا به سؤالی خاص پاسخ ندهد، ولی حتی‌الامکان پرسشگر از او می‌خواست به همه سؤالات مرتبط پاسخ‌های صحیح بدهد و به او اطمینان می‌داد که پرسشنامه‌ها پس از ورود به کامپیوتر در محلی مطمئن بایگانی و پس از ۶ ماه منهدم می‌شوند.

روایی و اعتبار پرسشنامه: پرسشنامه تهیه شده توسط چند صاحب‌نظر در زمینه جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و بهداشتی مرور شده و اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه به‌طور کیفی مورد ارزیابی قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه با جمله‌بندی صحیح و استفاده از پرسشگران آموزش دیده افزایش یافت. هم‌چنین ۱۰ نفر از دانشجویان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. سؤالات مبهم، دو پهلو، یا نامفهوم توسط آنان شناسایی و اصلاح شده است. هم‌چنین با استفاده از مطالعه کیفی قبل از پیمایش، گویه‌ها و جمله‌بندی مناسب انتخاب شد که به ارتقاء اعتبار سؤالات و اصلاح گویه‌های پرسشنامه کمک کرد.

برای داشتن نظرات پاسخ‌گو در موقعیت‌های مختلف، در این مطالعه از مقیاس یا شاخص استفاده کردیم که براساس آن تعدادی گویه نگرشی در موقعیت‌های مختلف ارائه شده تا نظر پاسخ‌گو نسبت به آن‌ها در مقیاس بهتر معرفی شود و از اعتبار بیشتری برخوردار باشد. استفاده از مقیاس، موجب بهبود روایی نیز می‌شود؛ زیرا ممکن است یک سؤال به علت نحوه جمله‌بندی نامناسب پاسخ درست را دریافت نکند، ولی با داشتن چند گویه این خطا از بین خواهد رفت. همبستگی درونی گویه‌های مقیاس‌های ساخته شده نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با ملاک آلفای بالای ۰/۸، مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه روی ۵۰ دانشجوی پایلوت شد و نتایج پایلوت تحلیل شده و قدرت تشخیصی ابزار و هم‌چنین سهولت آن مورد ارزیابی قرار گرفت. گویه‌های

نگرشی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۹ از نوع تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۱۰} تحلیل شد و گویه‌هایی که قدرت تبیین‌کنندگی کمی در یک عامل داشتند، حذف شدند. متغیرها: متغیر وابسته در این بررسی عبارت است از سن ازدواج در افراد متأهل و تمایل به ازدواج در افراد مجرد و متغیرهای مستقل اصلی عبارتند از: تجربه رابطه دوستی و پیشرفته با همسر کنونی، یا فردی غیر از همسر کنونی قبل از ازدواج در افراد متأهل و تجربه معاشرت دوستی و پیشرفته با جنس مخالف در افراد مجرد و همچنین سایر متغیرهای مستقل و مخدوش‌کننده شامل سن، وضعیت اقتصادی، تحصیلات، پایبندی به مذهب، مشخصات خانوادگی، نگرش‌های جنسیتی و نگرش نسبت به تأثیر معاشرت‌ها و سایر نگرش‌ها می‌باشد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پیمایش پس از ورود به نرم‌افزار SPSS-v16 مورد بازبینی قرار گرفت. پس از توصیف نتایج، با استفاده از تست‌های آماری *t*-test، آنالیز واریانس و کای اسکور تجزیه و تحلیل دو متغیره انجام شده و سپس با توجه به نوع متغیر وابسته (سن ازدواج) که کمی بود، از رگرسیون چندگانه خطی، تأثیر پیش‌بینی‌کنندگی تجربیات قبل از ازدواج با کنترل اثر عوامل مختلف بر سن ازدواج مشخص شد. همچنین با استفاده از مدل‌های بقاء، درصد تجمعی سن ازدواج به تفکیک تجربه معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف نیز تعیین شد.

نتایج

دانشجویان شرکت‌کننده در پیمایش، حدود ۷۰٪ دختر (تعداد ۱۶۰۲ نفر) و ۳۰٪ پسر (تعداد ۶۰۴ نفر) با میانگین سنی ۲۲/۵ سال بوده‌اند (میانگین سنی ۲۲/۲ سال در زنان و ۲۲/۹ سال در مردان). مشخصات جمعیتی نمونه مورد بررسی به تفکیک وضعیت تأهل در جدول ۱ آمده است. از بین دانشجویان شرکت‌کننده در این پیمایش که به بخش وضعیت تأهل و ارتباطات در زمان مطالعه پاسخ دادند (تعداد ۱۷۲۲ نفر)، حدود ۱۲٪ (۳۰۳ نفر) متأهل بودند. حدود ۴٪ دارای نامزد بوده و ۰/۴٪ جدا شده در دوران عقد و پس از ازدواج بودند که این گروه از تحلیل کنار گذاشته شدند. ۱۱/۸٪ دانشجویان مجرد گزارش کردند که در زمان مطالعه، دارای رابطه جدی با جنس مخالف به قصد ازدواج و ۱۲/۳٪ دارای رابطه جدی با جنس مخالف بدون قصد ازدواج بودند و بیش از نیمی از دانشجویان مجرد (۵۶/۶٪) هیچ‌گونه رابطه دوستی با جنس مخالف را در زمان مطالعه گزارش نکردند.

جدول ۱: مشخصه‌های جمعیت‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی دانشجویان شرکت‌کننده در پیمایش به تفکیک جنس و وضعیت تأهل

مشخصه	مجردها (تعداد= ۱۵۶۳)				متأهلها (تعداد= ۳۰۴)			
	زن	مرد	کل	سطح معناداری	زن	مرد	کل	سطح معناداری
سن (میانگین)	۲۱/۵ SD= ۲/۹۰	۲۲/۶ SD=۳/۲۶	۲۱/۷ SD=۳/۰۳	< ۰/۰۰۱	۲۶/۰ SD=۶/۰۵	۳۰/۳ SD=۶/۱۱	۲۷/۰ SD=۶/۳۲	< ۰/۰۰۱
نوع دانشگاه آزاد دولتی	۵۹/۶ ۵۰/۴	۳۷/۶ ۶۲/۴	۴۵/۹ ۵۴/۱	< ۰/۰۰۱	۶۳/۸ ۳۶/۲	۳۳/۳ ۶۶/۷	۳۵/۵ ۶۴/۵	NS*
مقطع تحصیلی کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری	۸۶/۸ ۸/۸ ۴/۴	۷۴/۳ ۲۱/۵ ۴/۲	۸۲/۹ ۱۲/۷ ۴/۴	< ۰/۰۰۱	۷۰/۶ ۲۶/۶ ۲/۸	۴۱/۲ ۴۲/۶ ۱۶/۲	۶۳/۶ ۳۰/۴ ۵/۹	< ۰/۰۰۱
سکونت خانواده تهران شهرستان	۷۰/۵ ۲۹/۵	۴۸/۰ ۵۲/۰	۶۳/۶ ۳۶/۴	< ۰/۰۰۱	۶۱/۱ ۳۸/۹	۵۰/۰ ۵۰/۰	۵۸/۳ ۴۱/۷	NS
تحصیلات پدر بی سواد ابتدایی- راهنمایی متوسطه- دیپلم دانشگاهی	۱/۹ ۱۳/۸ ۳۸/۳ ۴۶/۰	۱/۹ ۱۵/۹ ۳۲/۳ ۴۹/۹	۱/۹ ۱۴/۵ ۳۶/۴ ۴۷/۲	NS	۳/۲ ۲۸/۲ ۳۴/۱ ۳۴/۵	۱۱/۰ ۴۶/۶ ۱۵/۱ ۲۷/۴	۵/۱ ۳۲/۸ ۲۹/۴ ۳۲/۸	< ۰/۰۰۱
تحصیلات مادر بی سواد ابتدایی- راهنمایی متوسطه و دیپلم دانشگاهی	۳/۳ ۱۷/۰ ۴۹/۹ ۲۹/۸	۴/۶ ۱۹/۵ ۴۴/۱ ۳۱/۸	۳/۷ ۱۷/۸ ۴۸/۱ ۳۰/۴	NS	۵/۴ ۳۳/۲ ۳۹/۵ ۲۲/۰	۱۷/۶ ۴۴/۶ ۲۱/۶ ۱۶/۲	۸/۴ ۳۶/۰ ۳۵/۰ ۲۰/۵	< ۰/۰۰۱

NS: عدم معناداری آماری

نتایج پیمایش نشان داد که دختران به‌طور معناداری بیش از پسران، رابطه جدی با جنس مخالف با قصد ازدواج را در زمان مطالعه گزارش کرده‌اند (۱۳/۱٪ در مقابل ۸/۹٪، $P < ۰/۰۰۱$)، در حالی که رابطه جدی بدون قصد ازدواج در زمان مطالعه در پسران، به‌طور معناداری بیشتر از دختران است (۴/۱۴٪ در مقابل ۱۱/۴٪، $P < ۰/۰۰۱$). برعکس، پسروانی که هیچ رابطه‌ای در زمان مطالعه نداشته‌اند، از دخترانی که هیچ ارتباطی با جنس مخالف در زمان مطالعه نداشته‌اند، بیشتر بوده است (۵۹/۰٪ در مقابل ۵۵/۶٪، $P < ۰/۰۵$).

تجربه رابطه دوستی با جنس مخالف در دانشجویان مجرد ۴۷/۳٪ است که در دختران و پسران تفاوت معناداری نداشت. در بین کسانی که رابطه دوستی قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند، حدود ۳۵٪ فقط یک رابطه و ۳۶/۵٪ بین یک تا سه رابطه دوستی و ۲۸/۳٪ بیش از سه رابطه دوستی را تجربه کرده‌اند. دختران و پسران از نظر تعداد تجربیات روابط دوستی با جنس مخالف تفاوت آماری

معناداری داشتند، به طوری که تجربه بیش از سه رابطه دوستی در بین پسران به طور قابل توجهی بیشتر از تجربه فوق در بین دختران بود (۳۵/۲٪ در مقابل ۲۵/۴٪، $P < 0/01$). تجربه معاشرت پیشرفته در بین مردان مجرد به طور معناداری بیشتر از زنان مجرد بود. اگرچه تجربه معاشرت پیشرفته در مردان متأهل خیلی بیشتر از زنان متأهل بود ولی از نظر آماری، تفاوت فوق معنادار نیست. میانگین سن ازدواج در دانشجویان متأهل زن و مرد به ترتیب عبارت بود از ۲۱/۴ و ۲۶/۱ سال.

در بین افرادی که تجربه رابطه دوستی با جنس مخالف داشته‌اند، میانگین سن شروع رابطه دوستی در دختران ۱۷/۷ و در پسران ۱۸/۳ سال بود که اگرچه از نظر آماری معنادار است، ولی تفاوت میانگین‌ها خیلی زیاد و مهم نیست. در بین افراد با چنین تجربیاتی، دختران کمی زودتر از پسران، اولین رابطه دوستی خود را با جنس مخالف آغاز می‌کنند، به طوری که ۴۰٪ دخترانی که چنین تجربیاتی را دارند، تا سن ۱۶ سالگی اولین رابطه دوستی خود با جنس مخالف را تجربه می‌کنند، در حالی که همین درصد از پسران با چنین تجربیات (۴۰٪) تا سن ۱۷ سالگی اولین رابطه دوستی خود با جنس مخالف را تجربه می‌کنند. هم‌چنین در کل دانشجویان دختر و پسر مجرد، حدود ۱۶٪ رابطه پیشرفته قبل از ازدواج (فیزیکی و جنسی) با جنس مخالف را گزارش کرده‌اند که پسران به طور معناداری بیشتر از دختران این روابط را تجربه کرده‌اند (۲۱٪ در مقابل ۱۴٪، $P < 0/001$). کمی کمتر از دو سوم دانشجویان مجرد تمایل به ازدواج داشته‌اند (۶۰/۳٪) و از این نظر تمایل به ازدواج در دختران به طور معناداری بیشتر از پسران است (۶۳/۱٪ در مقابل ۵۴/۳٪، $P < 0/001$) (جدول ۲).

جدول ۲: فراوانی تجربیات قبل از ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان به تفکیک

جنس و وضعیت تاهل

متأهل‌ها (تعداد=۳۰۴)				مجردها (تعداد=۱۵۶۳)				تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج
سطح معناداری	کل	مرد	زن	سطح معناداری	کل	مرد	زن	
NS	۴۷/۷	۴۴/۶	۴۸/۷	NS	۴۷/۳	۴۵/۳	۴۸/۲	معاشرت دوستی (٪)
NS	۱۳/۷	۲۰/۳	۱۱/۶	$P < 0/01$	۱۶/۴	۲۱/۴	۱۴/۲	معاشرت پیشرفته (٪)
				$P < 0/01$	۶۰/۸	۵۴/۵	۶۳/۵	تمایل به ازدواج (٪)
$< 0/001$	۲۲/۵ (SD=۳/۷۳)	۲۶/۱ (SD=۳/۷۳)	۲۱/۴ (SD=۲/۹۰)					سن ازدواج (میانگین)

NS: عدم معناداری آماری

رابطه بین تجربه معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف و سن ازدواج به تفکیک در زنان و مردان متأهل بررسی شد.

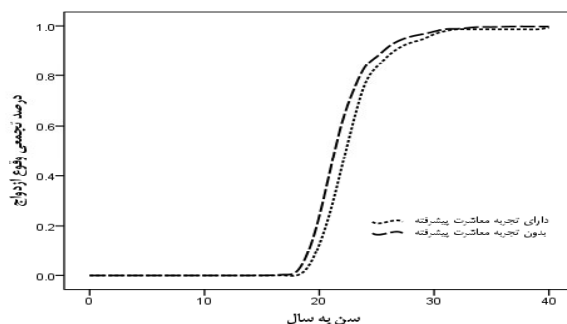
جدول ۳: میانگین سن ازدواج در دانشجویان متأهل براساس تجربیات قبل از ازدواج با جنس مخالف به تفکیک جنس

جنس	تجربیات قبل از ازدواج	تعداد	میانگین سن ازدواج	انحراف معیار	سطح معناداری
زن	معاشرت دوستی با جنس مخالف	۱۱۷	۲۲/۸	۳/۶۰	NS
	بلی خیر	۱۴۰	۲۲/۴	۳/۸۲	
	معاشرت پیشرفته با جنس مخالف	۲۹	۲۴/۳	۴/۳۳	<۰/۰۱
	بلی خیر	۱۹۷	۲۲/۲	۳/۴۰	
مرد	معاشرت دوستی با جنس مخالف	۲۷	۲۵/۷	۴/۰۴	NS
	بلی خیر	۳۷	۲۶/۳	۳/۵۲	
	معاشرت پیشرفته با جنس مخالف	۱۰	۲۷/۲	۵/۴۵	NS
	بلی خیر	۴۶	۲۵/۳	۲/۸۲	

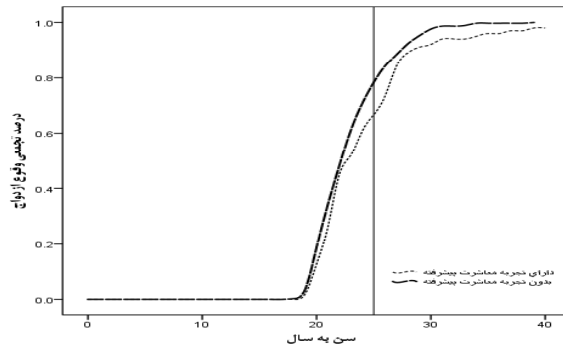
NS: عدم معناداری آماری

جدول ۳ نشان می‌دهد که در بین زنان، معاشرت دوستی، با افزایش سن ازدواج رابطه معنادار ندارد، در حالی که معاشرت پیشرفته با افزایش سن ازدواج رابطه معنادار دارد. در حالی که در مردان، نه رابطه دوستی و نه رابطه پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج با افزایش سن ازدواج رابطه معناداری نشان نداد. البته علی‌رغم این که سن ازدواج در مردانی که معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج با جنس مخالف داشته‌اند، به‌طور قابل توجهی بالاتر از مردانی بود که چنین رابطه‌ای را نداشتند، ولی از نظر آماری معنادار نبود که می‌تواند به‌علت حجم نمونه کم مردان در گروه فوق باشد (۲۷/۲ سال در مقابل ۲۵/۳، $P= ۰/۱۲۰$). دخترانی که معاشرت پیشرفته با جنس مخالف را گزارش کردند، در مقایسه با دخترانی که چنین تجربیاتی نداشته‌اند، ازدواج را با کمی تأخیر تجربه می‌کنند (نمودار ۱).

نمودار ۱: درصد تجمعی ازدواج در سنین مختلف بر حسب تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران

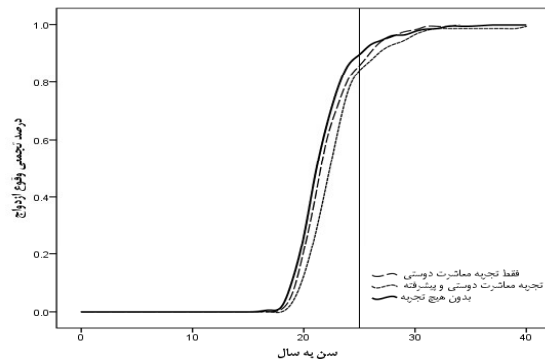


نمودار ۲: درصد تجمعی ازدواج در سنین مختلف بر حسب تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران

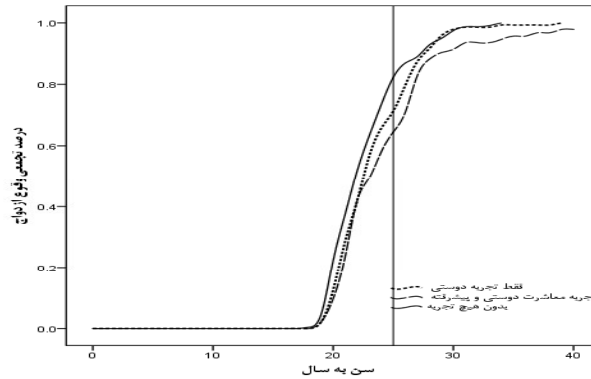


براساس نمودارهای ۱ و ۲، به نظر می‌رسد اثر تاخیری تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج بر سن ازدواج در پسران نیز همانند دختران وجود دارد. فقط ۶۰٪ پسران با تجربه معاشرت پیشرفته تا سن ۲۵ سالگی ازدواج می‌کنند در حالی که این درصد در پسرانی که تجربه فوق را نداشتند حدود ۷۵٪ است. البته بایستی در نظر داشت که حجم نمونه پسران کمتر از دختران بوده و نمودار باید با احتیاط بیشتر تفسیر شود. نمودارهای ۳ و ۴ نشان می‌دهند افرادی که تجربه معاشرت قبل از ازدواج نداشته‌اند، در مقایسه با افرادی که تجربه دوستی قبل از ازدواج داشته‌اند، کمی زودتر ازدواج می‌کنند. ولی تفاوت زیادی بین میزان‌های تجمعی ازدواج در سنین مختلف در افراد با تجربه دوستی و افراد بدون هیچ تجربه معاشرت دیده نمی‌شود. برعکس بیشترین تفاوت بین سن ازدواج افرادی دیده می‌شود که تجربه معاشرت دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج داشته و سن ازدواج افرادی که هیچ تجربه‌ای نداشته، یا فقط تجربه دوستی داشته‌اند.

نمودار ۳: درصد تجمعی ازدواج در سنین مختلف بر حسب تجربیات قبل از ازدواج با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران



نمودار ۴: درصد تجمعی ازدواج در سنین مختلف بر حسب تجربیات قبل از ازدواج با جنس مخالف در بین دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران



از آن جایی که ممکن است تفاوت میانگین سن ازدواج در بین کسانی که تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج دارند، در مقایسه با کسانی که این نوع تجربیات را نداشته‌اند، به علت تفاوت این افراد از نظر سایر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی باشد و نه صرفاً به علت تجربه معاشرت آن‌ها با جنس مخالف، لذا در تحلیل تأثیر معاشرت بر سن ازدواج، اثر سایر عوامل مؤثر در تحلیل چندمتغیره کنترل گردید.

جدول ۴: مدل رگرسیون خطی نقش تعیین کنندگی تجربه معاشرت دوستی و پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج در بین متأهل‌ها (تعداد = ۲۰۷)

مدل رگرسیون خطی ۲**			مدل رگرسیون خطی ۱*			متغیر
P-value	T	ضریب b	P-value	T	ضریب b	
<۰/۰۰۱	۱۰/۳۶	۱/۰۰ ۴/۸۰	<۰/۰۰۱	۸/۴۰	۱/۰۰ ۴/۱۱	جنس زن مرد
۰/۰۴۶	۲/۰۰	۰/۵۹	<۰/۰۰۵	۱/۵۰	۰/۴۶	هزینه ماهانه (میلیون ریال)
۰۰/۱۵۱	۱/۴۴	۰/۱۷	۰/۳۴۳	۰/۹۵	۰/۱۲	سبک و فرهنگ خانواده (طیف ۳ تا ۱۵، آلفای کرونباخ ۰/۷۲۲)
			۰/۰۱۲	۲/۵۲	۱/۰۰ ۱/۷۰	تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج خیر بلی
۰/۵۹۴	۰/۵۳۴	۱/۰۰ ۰/۲۳				تجربه معاشرت دوستی قبل از ازدواج خیر بلی
<۰/۰۰۱	۱۰/۹۷	۱۳/۷۵	<۰/۰۰۱	۱۰/۳۵	۱۵/۱۵	ثابت

, R Square= 0.301 , Adjusted R Square= 0.288 ,
** N=207, R Square=0.571, Adjusted R Square=0.366 ,

در توضیح جدول ۴ لازم به ذکر است که هزینه ماهانه متغیر رتبه‌ای بوده که طیف از یک تا سه را در برمی‌گیرد (۱. زیر ۴ میلیون ریال، ۲. بین ۴ تا ۶ میلیون ریال و ۳. بالای ۶ میلیون ریال)، در این تحلیل به صورت متغیر کمی در نظر گرفته شده است. نقش وضعیت اقتصادی بر سن ازدواج به وسیله متغیر هزینه ماهانه کنترل شده است. با افزایش یک واحد به متغیر فوق، میزان افزایش در سن ازدواج برآورد می‌شود. میزان سنتی یا مدرن بودن، مذهبی یا غیرمذهبی بودن و نگرش نسبت به معاشرت‌های قبل از ازدواج در قالب یک متغیر یا مقیاس به نام سبک خانواده سنجیده شده که نمره آن از ۳ تا ۱۵ متغیر است. نمره بالاتر نمایانگر خانواده غیرمذهبی و مدرن و برعکس نمره پایین معرف خانواده مذهبی، سنتی و مخالف معاشرت قبل از ازدواج است. براساس مدل‌های بالا حدود یک سوم از تغییرات سن ازدواج را می‌توان پیش‌بینی کرد.

به این ترتیب با استفاده از مدل رگرسیون خطی نقش تجربه معاشرت پیشرفته (مدل ۱) و معاشرت دوستی (مدل ۲) قبل از ازدواج پس از کنترل اثر متغیرهای مؤثر بر سن ازدواج مانند جنس و وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده بررسی شد (جدول ۴). مطابق با جدول بالا، در مدل ۱، پس از کنترل اثر فرهنگ خانواده یا سبک خانواده، جنس و وضعیت اقتصادی خانواده، تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف به‌عنوان متغیر معنادار و تعیین‌کننده سن ازدواج باقی ماند. پسر بودن ۴/۱ سال نسبت به دختر بودن به سن ازدواج افراد می‌افزاید. هم‌چنین با ارتقاء وضعیت اقتصادی نیز سن ازدواج به‌طور معناداری افزایش می‌یابد؛ اما برعکس در مدل ۲، پس از کنترل اثر جنس، وضعیت اقتصادی و نوع خانواده، داشتن تجربه دوستی با جنس مخالف به‌عنوان متغیر معنادار در مدل باقی نماند. بر اساس جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که در بین دانشجویان متأهل پس از کنترل اثر برخی فاکتورهای اقتصادی - اجتماعی و جنس، افرادی که معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج داشته‌اند، سن ازدواج در آن‌ها به‌طور متوسط ۱/۷ سال بالاتر از افرادی است که چنین معاشرت‌هایی را تجربه نکرده‌اند. هم‌چنین، نتایج این مطالعه نشان داد که داشتن تجربه معاشرت دوستی و معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران مجرد در مقایسه با افرادی که چنین معاشرت‌هایی را تجربه نکرده‌اند با تمایل بیشتر به ازدواج همراه بود. به طوری که تمایل به ازدواج در دختران مجردی که رابطه دوستی با جنس مخالف را گزارش کردند در مقایسه با دخترانی که چنین رابطه‌ای را نداشتند به‌طور معناداری بیشتر بوده (۶۷/۵٪ در مقابل ۵۹/۶٪، $P < 0.01$). هم‌چنین تمایل به ازدواج در دخترانی که معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج داشته‌اند، ۷۰/۷٪ بوده که به‌طور معناداری بیشتر از دختران بدون تجربه فوق بوده است (۶۳٪/۰۰۵٪). یافته جالب این است که در بین پسران، معاشرت دوستی هیچ ارتباط معناداری را با تمایل به ازدواج نشان نداد، ولی معاشرت پیشرفته ارتباط معنادار معکوسی را نشان داد، به طوری که پسرانی که معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج را گزارش کرده بودند، به‌طور معناداری کمتر به ازدواج تمایل داشتند، برخلاف پسرانی که چنین تجربیاتی را گزارش نکردند (۵۴/۶٪ در مقابل ۵۷/۴٪، $P < 0.05$).

جدول ۵: مقایسه تمایل به ازدواج در بین دانشجویان مجرد به تفکیک جنس و تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

جنس	تجربیات قبل از ازدواج	تعداد	تمایل به ازدواج (%)	سطح معناداری
زن	معاشرت دوستی با جنس مخالف	۳۳۷	۶۷/۵	<۰/۰۱
	بلی خیر	۳۱۳	۵۹/۶	
	معاشرت پیشرفته با جنس مخالف	۱۳۳	۷۰/۷	۰/۰۵
	بلی خیر	۷۹۳	۶۲/۹	
مرد	معاشرت دوستی با جنس مخالف	۱۱۲	۵۳/۸	NS
	بلی خیر	۱۳۴	۵۴/۹	
	معاشرت پیشرفته با جنس مخالف	۹۰	۵۴/۶	<۰/۰۱
	بلی خیر	۳۳۱	۵۷/۴	

بحث

این مقاله براساس داده‌های پیمایش از یک مطالعه ترکیبی که در تابستان سال ۱۳۸۹-۳۹۰ با هدف تعیین تأثیر معاشرت‌های دوستی و پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج دانشجویان متأهل و بر تمایل به ازدواج در بین دانشجویان مجرد انجام شده، تهیه شده است. بخش کمی یا پیمایش بر روی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران اعم از متأهل و مجرد انجام شده است.

یکی از نتایج مهم این مطالعه، تفاوت‌های جنسیتی در معاشرت‌ها و تأثیر آن در دو جنس است. به‌طوری‌که در این مطالعه نشان داده شد تعداد تجربیات دوستی و پیشرفته با جنس مخالف در بین پسران بیشتر از دختران بوده و پسران بیش از دختران، ارتباطات پیشرفته با جنس مخالف را گزارش کرده‌اند. برعکس، تمایل به ازدواج در دختران بیشتر از پسران است. هم‌چنین در دختران هم معاشرت‌های دوستی و هم پیشرفته با تمایل بیشتر به ازدواج همراه بوده، در حالی‌که در پسران معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج همراه است. این تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای فوق می‌تواند منتج از استانداردهای دوگانه جنسیتی و تفاوت هنجارهای جنسیتی در رفتارهای جنسی باشد که برگرفته از ساختارهای فرهنگی و سنتی جامعه ایران است و کاربردهای مهمی در تحلیل تأثیر این معاشرت‌ها بر سن ازدواج و سایر جنبه‌های ازدواج در دو جنس خواهد داشت. این یافته‌ها با نتایج مطالعه دیگری که بر روی دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران در سال‌های ۵-۱۳۸۴ انجام شده بود، سازگار است (خلج‌آبادی‌فراهانی، ۲۰۰۸؛ محمدی، ۲۰۰۶؛ خلج‌آبادی‌فراهانی، ۲۰۱۱).

هم‌چنین تجربه ارتباطات دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران با افزایش سن ازدواج دختران ارتباط دارد، ولی در مورد پسران این رابطه معنادار نبود. در واقع می‌توان دو کارکرد متفاوت برای این نوع معاشرت‌ها برای دو جنس در جامعه ایران توضیح داد. این نوع معاشرت‌ها در دختران بیشتر با قصد ازدواج بوده و کارکرد جستجو برای شریک‌گزینی داشته در حالی که در پسران، به‌دلایل فرهنگی و اهمیت عفت و پاکدامنی همسر، این نوع معاشرت‌ها کمتر با نیت ازدواج بوده و کارکرد جایگزینی موقتی برای ازدواج دارد. از دیدگاه اجتماعی، تأخیر در ازدواج پسران می‌تواند بر تقاضای ازدواج تأثیر گذارد و به‌طور ثانویه موجب تأخیر در ازدواج دختران نیز شود. در بین پسران، معاشرت‌های فوق ممکن است در رقابت موقتی با ازدواج عمل کنند، شبیه آن‌چه در تئوری جایگزینی^{۱۱} بیان شده است. به دو دلیل: ۱. دارا بودن برخی کارکردهای مثبت ازدواج (ارضای نیازهای غریزی و عاطفی) و فقدان برخی چالش‌های ازدواج (بار مسئولیت و تعهد ازدواج)، ۲. قدرت اعمال تنوع و گسست روابط بدون چالش‌های طلاق و جدایی.

براساس نتایج این مطالعه، معاشرت نزدیک و پیش‌رونده (جنسی) با جنس مخالف قبل از ازدواج با تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج رابطه مهمی دارد. در واقع یکی از شرایطی که در اثرگذاری این ارتباطات بر سن ازدواج مهم است، میزان پیش‌روندگی معاشرت‌هاست. معاشرت پیش‌رفته که یا کمتر با قصد ازدواج است، یا موجب پاسخ‌گویی نیازهای عاطفی و جنسی افراد می‌شود، بیشتر با افزایش سن ازدواج مرتبط است. نتایج مطالعه حاضر با مطالعه‌ای که توسط گاقان در سال ۲۰۰۲ انجام شد همخوانی دارد. گاقان (۲۰۰۲) در تحلیل تاریخچه وقایع، نشان داد که علاوه بر عواملی مانند مشخصه‌های خانوادگی، فردی، اشتغال و تحصیلات، تجربیات معاشرت‌های فرد قبل از ازدواج با جنس مخالف، نقش مهمی در زمان ازدواج افراد دارد. هرچه زنان بیشتر درگیر روابط عاطفی قبل از ازدواج و حتی تماس جنسی باشند، کمتر احتمال دارد تا سن ۲۷ الی ۳۰ سالگی ازدواج کنند. کسب سرمایه انسانی^{۱۲} و پویایی تاریخچه معاشرت‌ها در تأثیر فوق مستقل عمل می‌کنند.

دلایل اثرهای تأخیری این نوع روابط بر ازدواج در بخش کیفی این مطالعه ارائه شده که در این مقاله نمی‌گنجد. دلایلی مانند توسعه نگرش‌های منفی، وسواس و سخت‌گیری در انتخاب همسر به علت تنوع تجربیات و بالا رفتن توقع در معیارهای همسرگزینی و ایجاد حس بدبینی به جنس مخالف و گسترش بی‌اعتمادی به جنس مخالف. هم‌چنین ارتباطات متعدد قبل از ازدواج، اغلب همراه با تعهدات و پایبندی کم به اخلاقیات مرتبط دانسته شده است و این مسئله موجب توسعه دیدگاه منفی نسبت به جنس مخالف می‌گردد، به طوری که حتی روی تمایل به ازدواج جوانان تأثیر منفی می‌گذارد (خلج‌آبادی فراهانی، ۱۳۸۹).

کمتر مطالعه‌ای رابطه بین معاشرت‌های دوستی و پیش‌رفته با جنس مخالف و سن ازدواج را بررسی کرده است. اکثر مطالعات انجام شده در سایر جوامع، به بررسی نقش همباشی^{۱۳} یا هم‌خانگی

(زندگی با جنس مخالف بدون ازدواج رسمی) روی زمان ازدواج، یا کیفیت ازدواج پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، نقش مهم قصد ازدواج در رابطه همبستگی در مطالعه‌ای در سال ۱۹۹۶ میلادی بررسی شد. مطالعه فوق نشان داد که کیفیت روابط همبستگی‌هایی که قصد ازدواج داشته‌اند، تفاوت ناچیزی با روابط افراد متأهل در همین مطالعه داشته است (بران و بوث^{۱۴}، ۱۹۹۶) و قصد ازدواج یک روش برای تمایز بخشیدن بین افراد همبستگی است (کاسپر و سایر^{۱۵}، ۲۰۰۰). اگرچه غالب همبستگی‌ها در نهایت با شریک جنسی خود ازدواج می‌کنند، اما اغلب زوجها رابطه همبستگی را با قصد ازدواج آغاز نمی‌کنند (منینگ و اسموک^{۱۶}، ۲۰۰۵). در واقع، زوج‌هایی که همبستگی را با قصد ازدواج آغاز می‌کنند، این دوره را بخشی از فرایند ازدواج می‌بینند، اما زوج‌هایی که بدون قصد ازدواج همبستگی می‌شوند، آن را بخشی از مراحل مجردی در نظر می‌گیرند و حتی به سادگی با موضوع طلاق برخورد می‌کنند. در برخی جوامع، معاشرت‌های پیشرفته‌ای مشابه با همبستگی وجود دارد ولی به علت عدم پذیرش فرهنگی و خانوادگی، لزوماً افراد هم‌خانه نبوده، بلکه در بیشتر اوقات با یکدیگر شریک هستند؛ مانند آنچه که به‌عنوان رابطه جدی دوست دختر و دوست پسر در ایران دیده می‌شود. اگر در نظر بگیریم که برخی معاشرت‌های دوستی، یا پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج در این جوامع، ماهیتی مشابه با همبستگی داشته باشد، می‌توان ادعا کرد نتایج مطالعات مربوط به همبستگی تا حدودی قابل تعمیم به نتایج مربوط به چنین معاشرت‌هایی با جنس مخالف قبل از ازدواج باشد. لذا قصد ازدواج در این معاشرت‌ها، موجب می‌شود که این روابط، حتی به‌عنوان یکی از مراحل فرآیند همسریابی تلقی شود و منجر به تأخیر در ازدواج نشود. همان‌طور که در این مطالعه نشان داده شد، تجربه معاشرت‌های دوستی با افزایش سن ازدواج رابطه نداشته، در حالی که تجربه معاشرت‌های پیشرفته (که با توجه به ساختار فرهنگی جامعه ایران، به نظر کمتر با قصد ازدواج بوده است) بیشتر با افزایش سن ازدواج ارتباط دارد.

در کل، در هیچ‌یک از مطالعات طولی انجام شده روی معاشرت با جنس مخالف در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیر معاشرت‌های فوق بر نتایج ازدواج در بزرگسالی بررسی نشده است (کارنی^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۷؛ کولینز و ون دولمن^{۱۸}، ۲۰۰۶؛ فورمن شافر^{۱۹}، ۲۰۰۳؛ گیردانو^{۲۰}، ۲۰۰۳؛ کان و کیرزر^{۲۱}، ۲۰۰۶). اغلب به پیامدهای فوری معاشرت‌های قبل از ازدواج در دوره نوجوانی پرداخته شده، مانند افسردگی که به‌علت شکست در روابط قبل از ازدواج (مونرو^{۲۲} و همکاران، ۱۹۹۹) ممکن است باعث شتاب در ازدواج گردد و ریسک بالاتر طلاق را در اوایل بزرگسالی به همراه آورد (گوتلیب لوین سون و سی لی^{۲۳}، ۱۹۹۸). در واقع، سن شروع معاشرت‌ها، کیفیت ارتباطات و فرآیند ارتباطات در تحقیقات موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است (کولینز و ون دولمن، ۲۰۰۶).

مطالعه حاضر نشان داد که از ۲۴٪ دانشجویانی که در زمان مطالعه، معاشرت با جنس مخالف را گزارش کردند، نیمی بدون قصد ازدواج (۱۲/۳٪) بوده است. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که شیوع بیشتر معاشرت‌های بدون قصد ازدواج، تا حد زیادی می‌تواند تأخیر در ازدواج را برای جوانان به همراه داشته باشد. گاقان (۲۰۰۲) نشان داد که هرچه زنان بیشتر در ارتباطات قبل از ازدواج با جنس مخالف باشند کمتر تمایل به ازدواج دارند. لذا برخلاف انتظار، هرچه اطلاعات فرد راجع به جنس مخالف بیشتر باشد، لزوماً به تصمیم قطعی‌تر برای ازدواج نمی‌انجامد. بلکه هرچه این معاشرت‌ها بیشتر باشد احتمال تأخیر در ازدواج بیشتر خواهد بود. به‌خصوص زنانی که تمایل به توسعه سرمایه انسانی خود دارند از این روابط به‌عنوان جایگزینی برای ازدواج استفاده می‌کنند. در حالی که نتایج مطالعه حاضر در تهران، در خصوص رابطه بین تجربه معاشرت‌های فوق و تمایل به ازدواج، برعکس است. در مطالعه حاضر نشان داده شد، رابطه دوستی در بین دختران با تمایل بیشتر به ازدواج همراه بوده است که این امر می‌تواند این‌طور تفسیر شود که دختران بیشتر با نیت و قصد ازدواج وارد معاشرت‌های دوستی قبل از ازدواج می‌شوند و کمتر این روابط را به‌عنوان جایگزینی برای ازدواج در نظر دارند. این امر می‌تواند به‌علت اهمیت ارزشی ازدواج و عدم پذیرش فرهنگی سایر جایگزین‌های ازدواج مانند دوستی قبل از ازدواج و همبازی در جامعه ایران، به‌خصوص برای دختران باشد. از آن‌جا که مطالعه حاضر در بین افراد با تحصیلات دانشگاهی انجام شده است، سؤال دیگر این است که "آیا این تأثیرها در بین جوانان غیردانشگاهی با جوانان دانشگاهی متفاوت است یا خیر و چگونه؟" که جای تحقیق و بررسی بیشتر دارد.

تأخیر در ازدواج به نوبه خود نیز می‌تواند عاملی برای شروع ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج باشد و به علت این‌که این بررسی یک مطالعه مقطعی است از نتایج فوق نمی‌توان رابطه علی و معلولی استنتاج کرد. براساس نتایج این مطالعه حتی افرادی که با همسر کنونی خود در قبل از ازدواج رابطه پیشرفته داشته‌اند، به‌طور معناداری در مقایسه با افرادی که چنین ارتباطی را نداشته‌اند دیرتر ازدواج کرده‌اند که این امر می‌تواند به علت رفع نیازهای غریزی تا فراهم آمدن امکانات اقتصادی ازدواج باشد. حتی میانگین سن ازدواج در بین کسانی که رابطه پیشرفته با غیر همسر داشته‌اند، بالاتر است.

مطالعات نشان داده‌اند که روندهای جدید شریک‌گزینی بر سن اولین ازدواج اثر گذاشته است. در بسیاری از جوامع مدرن، ادراکات فرهنگی مربوط به سن ازدواج تغییر کرده است و این تغییر تحت تأثیر افزایش فرصت‌های ارتقاء تحصیل برای زنان و آزادی بیشتر برای تجربه روابط جنسی پیش از ازدواج (نظیر آنچه در همبازی ملاحظه می‌شود) بوده است. به‌طوری‌که شمار ازدواج‌ها برای نوجوانان طی سه دهه اخیر به‌شدت کاهش یافته است (کونی و اوهلنبرگ^{۲۴}، ۱۹۹۱). در جوامع توسعه یافته غربی، شمار رو به افزایشی از زوج‌هایی که روابط بلندمدت همبازی را شکل می‌دهند،

ازدواج را به‌عنوان عاملی محدودکننده و مضر برای روابط مطلوبشان می‌دانند. برای این افراد، همبستگی یک جایگزین آگاهانه برای ازدواج است. اما برای عده‌ای دیگر به‌خصوص در کشورهای آسیایی، ازدواج هنوز معنای نمادین خود را داراست. این افراد اگرچه ممکن است با یک یا چند شریک جنسی رابطه همبستگی داشته باشند، اما ازدواج را به‌عنوان تعهد بلند مدتی می‌شمارند که با اطلاع عموم به آن تن می‌دهند. در این موارد همبستگی نه جایگزینی برای ازدواج - به‌ویژه در معنای ایدئولوژیک آن - بلکه بیشتر یک گام مرحله‌ای به سوی ازدواج است.

نکته مهم دیگر این است که افراد در تمایل به داشتن معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف و تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده با هم متفاوتند و این امر بر تمایل آن‌ها بر ازدواج و سن ازدواج آن‌ها تأثیرگذار است و باید در نظر گرفته شود. این تأثیرات در تحلیل‌های بعدی و مطالعات آینده باید کنترل شوند. هم‌چنین دختران و پسرانی که تمایل به ازدواج نداشته و این امر را تجربه نکرده‌اند، در این تحلیل در نظر گرفته نشده‌اند.

نتایج فوق از این جهت حائز اهمیت است که بسیاری از جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و برنامه‌ریزان، نقش گسترش این نوع ارتباطات را در افزایش سن ازدواج در نظر نگرفته، یا اغلب نادیده می‌گیرند. لذا در توضیح روندهای کنونی سن ازدواج و تحولات خانواده در ایران، در نظر گرفتن تغییرات رفتارهای جنسی و شریک‌گزینی جوانان و تفاوت‌های جنسیتی مربوط به آن ضروری است.

تشکر و قدردانی

این مقاله براساس داده‌های یک طرح مشترک بین مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ است. نویسندگان این مقاله، از حمایت‌های وزارت ورزش و جوانان و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در انجام این طرح، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

پی‌نوشت‌ها

1. Khalajabadi Farahani, F., Cleland J. 2008
2. Gaughan,
3. Lesthaeghe, R.G
4. Malhotra, A.
5. Tsui A.
6. Caldwell
7. Bumpass
8. Enrich
9. Exploratory Factor Analysis
10. Principle Component Analysis
11. Substitution Theory

12. Human Capital
13. Cohabitation
14. Brown and Booth
15. Casper & Sayer
16. Manning & Smock
17. Karney B R,
18. Collins, W. A., and Van Dulmen, M
19. Furman, W., and Shaffer, L
20. Giordano, P. C
21. Kan, M. L., and Cares, A. C.
22. Monroe, S. M., Rohde, P., Seeley, J. R., and Lewinsohn, P. M.
23. Gotlib, I. H., Lewinsohn, P. M., and Seeley, J. R.
24. Cooney & Uhlenberg

منابع

- آزادارمکی، ت.، شریفی‌ساعی، م.، ح.، ایثاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۲(۲)، ۳۹-۱.
- جعفری، ف.، پورضربی، ب. و تاریخ، ا. (۳-۲ آذر ۱۳۸۴). بررسی مشکلات جنسی پسران دانشجو و عوامل مؤثر بر آن، دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، دانشگاه شاهد.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف. (۱۳۹۰). *تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق* (گزارش تحقیق). مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، کلیند، ج. و مهریار، ا. ه. (۱۳۹۰). نقش خانواده در معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران دانشجو در تهران. *خانواده پژوهی*، ۳۰، ۴۶۸-۴۴۹.
- عباسی‌شواری، م. ج. و عسگری‌ندوشن، ع. (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۵، ۷۶-۲۵.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. *پژوهش زنان*، ۲(۳)، ۱۲۴-۱۰۳.
- گلزاری، م. (۱۳۸۳). دوستی و ارتباط پایدار با جنس مخالف در نوجوانان و رابطه آن با ویژگی‌های خانودگی. مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، صص ۳۰-۲۸.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۵). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۴، ۵۳-۲۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰). *سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰*.
- میرمولایی، ط.، رحیمی کیان، ف.، فقیه‌زاده، س. و عباسی‌سنجدری، ز. (۳-۲ آذر ماه ۱۳۸۴). *بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران*. دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، دانشگاه شاهد.

- Abbasi-Shavazi M. J., McDonald, P. & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The fertility transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer. Dordrecht
- Becker G. S. (1993). *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education*. Chicago: University of Chicago Press.

- Becker, G. S. (1974). A theory of marriage. In T.W. Schultz (Ed.), *Economics of the family: Marriage, children, and human capital* (pp. 299-344). Chicago: University of Chicago Press.
- Becker, G. S. (1991). *A treatise on the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Blossfeld, H., & Huinink, J. (1991). Human capital investment or norms of role transition? How women's schooling and career affect the process of family formation. *American Journal of Sociology*, 97, 142-168.
- Bumpass, L. L., Sweet, J. A., & Cherlin, A. (1991). The role of cohabitation in declining rates of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 53, 913-927.
- Caldwell, J. C. & Caldwell, P. (1987). The cultural context of high fertility in sub-Saharan Africa. *Population and Development Review*, (13)3, 409-437.
- Caldwell, J. C. Caldwell P., Caldwell B.K., Pieris I., (1998). The Construction of adolescence in a changing world: Implications for sexuality, reproduction and marriage. *Studies in Family Planning*, 29(2), 137-153.
- Cooney, T., & Uhlenberg, P. (1991). Changes in work family connections among highly educated men and women 1970-1980. *Journal of Family Issues*, 12, 69-90.
- Ghaghan M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 407-419.
- Goldscheider, F. K., & Waite, L. J. (1991). *New families, no families? The transformation of the American home*. San Francisco: University of California Press.
- Goldscheider, F. K., & Waite, L. J. (1986). Sex differences in the entry into marriage. *American Journal of Sociology*, 92, 91-109.
- Goldscheider, F. K., Turcotte, P., & Kopp, A. (1998, March). *The changing determinants of first union formation in industrialized countries: The United States and Canada*. Paper presented at the meeting of the Population Association of America, Chicago, IL.
- Karney, B. R., Beckett, M. K., Collins, R. L., & Shaw, R. (2007). Adolescent romantic relationships as precursors of healthy adult marriages: A review of theory, research, and programs [On-line]. Available: <http://www.rand.org/>
- Kaufman, G. L. & Meeker, D. (1998). The impact of women's socioeconomic position on marriage patterns in sub-Saharan Africa. *Journal of Comparative Family Studies*, 29(1), 101-114.
- Laumann, E. O., Gagnon, J. H., Michael, R. T., & Michaels, S. (1995). *The social organization of sexuality: Sexual practices in the United States*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lesthaeghe, R., Kaufmann, G., & Meeker, D. (1989). The Nuptiality Regimes in Sub-Saharan Africa. In R. Lesthaeghe (Ed), *Reproduction and social organisation in sub-Saharan Africa* (PP. 237-238). Berkeley: University of California Press.
- Malhotra, A., & Tsui, A. (1996) Marriage and timing in Sri Lanka: The role of modern norms and ideas, *Journal of Marriage and the Family*, 58(2), 476-90.
- Marini, M. M., Shin, H. C., & Raymond, J. (1989). Socioeconomic consequences of the process of transition to adulthood. *Social Science Research*, 18, 89-135.
- Mohammad, K., Khalajabadi Farahani, F., Mohammadi, M. R., Alikhani, S., Zare, M., Ramezani Tehrani, F., Ramezankhani, A., & Alaeddini, F. (2007). Sexual risk-taking behaviors among boys aged 15-18 years in Tehran. *Journal of Adolescent Health*, 41, 407-414.

- Mohammadi, M. R., Mohammad, K., Khalajabadi Farahani, F., Alikhani, S., Zare, M., Ramezani Tehrani, F., Ramezankhani, A., Alaeddini, F. Hasanzadeh, A., & Salehifar, M. (2006). Reproductive knowledge, attitudes and behaviour of adolescent boys aged 15-18 years in Tehran, Iran. *International Family Planning Perspectives, 32(1)*, 35-44.
- Oppenheimer, V. K. (1994). Women's rising employment and the future of the family in industrial society. *Population and Development Review, 20*, 293-342.
- Oppenheimer, V. K. (1988). A theory of marriage timing. *American Journal of Sociology, 94*, 563-591.
- Rindfuss, R. R., & VandenHeuval, A. (1990). Cohabitation: A precursor to marriage or an alternative to being single? *Population and Development Review, 16*, 703-726.
- South, S. J., & Spitze, G. (1994). Housework in marital and nonmarital households. *American Sociological Review, 59*, 327-347.
- Teachman, J. (2003). Premarital sex, premarital cohabitation, and the risk of subsequent marital dissolution among women. *Journal of Marriage and Family, 65(2)*, 444-455.
- Thornton, A., Axinn, W. G., & Teachman, J. D. (1995). The influence of school enrollment and accumulation on cohabitation and marriage in early adulthood. *American Sociological Review, 60*, 762-774.
- Turner, J. (2003). *The structure of sociological theory* (7th Ed.). Belmont, CA: Thompson/Wadsworth.

Archive of SID